

جنگ آوری در دوران گروسید^۴ ۱۰۰۰ تا ۱۳۰۰ میلادی

نویسنده جان فرانسر، ۳۲۷ صفحه، چاپ اول ۱۹۹۹ در آمریکا، ناشر کورن یونیورسیتی

یک نگاه بر جلد این کتاب که نوشته های فارسی بر حاشیه تصویر آن نظر را جلب میکند گویای نفوذ زبان فارسی در قرن های ۱۱ تا ۱۳ میلادی بر خاور میانه است. آنطور که از نام کتاب برمیآید این کتاب کاملاً به جنگ های صلیبی مربوط نیست بلکه به جنگ آوری در این دوران ۳۰۰ ساله در اروپا و خاور میانه مربوط است. فصل بندی علمی و درخشان آن اینگونه است. ۱- جنگ آوری برای مالکیت زمین ۲- اسلحه های جنگ ۳- جنگ، اجتماع و تکنولوژی ۴- نیرو ورزی و جنگ آوری ۵- مردان جنگ: سواران ۶- مردان جنگ: پیاده ها ۷- طبیعت قلعه ۸- سنگر بندی و محاصره ۱۰- ارتش ها ۱۱- فرماندهان ۱۲- مبارزه، تاکتیک و نبرد ۱۳- نبرد و پیش آمدهای جنگ ۱۴- اروپا، ایدولوژی و خارجی ها ۱۵- کرسی دینک و جنگ آوری در خاورمیانه، ۱۶- تصویر بزرگ.

فصل اول، جنگ آوری ملاکین، چشم انداز کلی کتاب را به خواننده نشان میدهد. نویسنده نشان میدهد که در این دوران ثروت اصلی داشتن زمین است و بهره برداری از کار کشاورزان که رعیتی میکنند. شاه ها، ملاکین و شوالیه ها برای مالکیت زمین با یکدیگر میجنگند. در این دوران اروپای فقیر بعزت کمی ذخیره غذایی به راحتی دچار قحطی میشد. از آنجا که نگاه داشتن یک ارتش همیشگی برای شاه خرجی داشت که او از عهده آن بر نمی آمد معمولاً جزء هسته ارتش بدنه اصلی آن بعد از هر جنگ مرخص میشد. در این دوران ارتش ها برای احتیاجات خود متکی به غارت و چپاول سرزمین های دشمن و غنائم جنگی بودند. برای کشورهای فقیر اروپائی جنگ واقعه پر خرجی بود که آنها تا میتوانستند از آن پرهیز میکردند و تنها به عنوان آخرین راه حل اختلافات به آن دست میزدند. ارتش ها در این دوران بیشتر ترجیح میدادند به غارت و چپاول آبادی های دشمن به پردازند و مقاومت دشمن را کم کم نابود کنند تا در میدان جنگ معینی با ارتش دشمن روبرو شوند که احتمال نابودیشان در آن باشد. در این دوران بزرگی ارتش ها قابل ملاحظه بود در سال ۱۱۸۷ میلادی پادشاهی لاتین اورشالیم ارتشی ۲۰۰۰۰ نفری در مقابل ارتش اسلامی ۳۰۰۰۰ نفری صلاح الدین جمع آوری کرد. اما معمولاً در این دوران ارتش های ۵۰۰۰ نفری تا ۲۰۰۰۰ نفری در جنگ ها شرکت میکردند.

در فصل دوم ما با سلاحهای جنگجویان این دوران آشنا میشویم. هر جنگجویی میباید سلاح خود را فراهم کند. مقام و ثروت اجتماعی جنگجو نوع و خوبی سلاح های جنگی او را معین میکرد. شوالیه ها و ملاکین سواران نظام را تشکیل میدادند و بهترین سلاحها و زره ها را داشتند. سربازان پیاده که خدمت سربازی اجباری داشتند، مانند شوالیه ها و ملاکین که میباید برای مدت معینی برای شاه بجنگند، سلاح هایی مانند تبر، خنجر، گرز و دیگر مسلح بودند. در میدان جنگ زره و سلاح های جنگجو مقام اجتماعی او را معین میکرد. در این دوران گروهیان ها که سلاح های خوبی داشتند در جنگ ها نمایان شدند که طبقه جدیدی از جنگجویان بودند. در این دوران شوالیه های سوار را "میلیت" میخواندند در مقابل پا یا "پدیتز".

تکنولوژی و پیشرفت آن موضوع فصل سوم است. پیشرفت تولید آهن و افزایش آن تولید سلاح های فولادی را بیشتر کرد. شاه انگلیس شهر وندان خود را موظف کرد برای دفاع از کشور بستگی به مقدار زمین و درآمدی که دارند سلاح های جنگی برای خود فراهم کنند. ارتش های این دوران بیشترین مشکلی که داشتند غذا بود. از آنجا که تکنولوژی ذخیره غذا پیشرفت نکرده بود، نان بهترین غذای فاسد نشدنی بود با این وجود فراهم کردن کمیت گندم زیاد برای نان سربازان و علوفه برای اسب های آنها برای یک ارتش در حال حرکت کار بزرگ و مشکلی بود. ارتش های زیادی در این دوران نه در جنگ بلکه از بی غذایی شکست خوردند

و نابود شدند. در فصل نیرو ورزی و جنگ آوری در کشورهای اروپایی او میگوید. نیرو ورزی "آتوریتی" اشراف و شاه که طبقه حاکمه کم جمعیتی هستند و برای بجاماندن نظامی گرا شده اند تا بتوانند از مالکیت زمین خود و مالکین وابسته بخود دفاع کنند. این نظامی گرایی شاه و زمین داران و شجاعت در جنگ چه برای دفاع و یا تصرف سرزمین های جدید احترام آنها را در میان مردم خود بالا میبرد.

در این دوران جنگجویان به دو گروه معین تقسیم شده بودند سواران و پیاده ها. از آنجا که داشتن اسب و نگهداری از آن پر خرج بود و تنها ثروتمندان از عهده آن بر میامدند سواره نظام از طبقه زمین داران و اشراف بودند. همین طبقه در باره جنگ و صلح تصمیم میگرفت. شجاعت در میدان جنگ به این گروه شوالیه ها مقام محترمانه اجتماعی میداد. در اواخر قرن سیزدهم سربازان حرفه ای "سارجنت ها" یا گروهیان ها وارد سواره نظام شدند. اما معمولاً سواران از طبقه "جنتل" بودند. مردان پیاده نظام اگرچه از شان نظامی شوالیه های سوارنظام برخوردار نبودند اما جزء ضروری هر عملیات جنگی بودند و مانند سایر فصل ها نمونه های زیادی نویسنده ما از آن می آورد. مردان جنگی پیاده در جنگ شرکت نمی کردند برای اینکه شان اجتماعی آنها این را درخواست میکرد، بلکه از روی تعهدی بود که آنها به شاه یا ارباب خود داشتند و یا برای حقوق معینی بود و یا هر دوی آن. "کسل" طبیعت قلعه و کارکرد آن نقش های گوناگونی بازی میکرد. قلعه ها دارائی شاه ها، شاهزاده ها، فئودال ها و شوالیه ها بود که بر کشور حکومت میکردند. این قلعه ها که توسط بزرگان کشور ساخته میشد و یا به ارث برده میشد در سراسر اروپای قرون وسطی پراکنده شده بود. به گفته نویسنده از آنجا که در این قرن ها ترابری مواد غذایی سخت بود زمین داران این قلعه ها را در زمین های خود بطور پراکنده میساختند و محصولات کشاورزی خود را در آن ذخیره میکردند و در سراسر سال در قلعه های مختلف زندگی میکردند تا آن آذوقه را بخورند. در اوائل این قلعه ها بیشتر از چوب ساخته میشد اما طی قرن ها که چوب در اروپا کمیاب شد قلعه های سنگی پدیدار شدند که ارزش نظامی آنها هم بیشتر بود. در جنگ این قلعه ها برای مدافعان پناهگاه و سنگر جنگی بود و برای نیرو مهاجم، نیروی نظامی که باید نابود میشد تا امنیت ارتش از پشت سر تضمین شود. در این دوران نویسنده نشان میدهد چگونه شهر ها به گرد این قلعه ها ساخته میشوند و شهرهایی با جمعیت ۵ هزار تا ۵۰ هزار نفر در اروپا نمایان میشوند. قلعه ها همانطور که ارزش دفاعی داشتند ارزش تهاجمی هم داشتند. ساکنان نظامی قلعه بعد از هر عملیات نظامی میتوانستند به قلعه پناه ببرند و در آن در امان باشند.

ارتش های قرون وسطی بخاطر محدودیت های مالی و نیروی انسانی از ۵ هزار تا بیست و سی هزار نفر تشکیل میشدند. به گفته نویسنده حتی گردآوری ارتشی به این بزرگی کار بسیار بزرگی بود. در این مورد او مثال های زیادی از تعداد این ارتش ها در دوران ۱۰۰۰ تا ۱۳۰۰ میلادی میاورد. ارتش ها در این دوران مانند لایه های پیاز بودند که با برداشتن هر لایه به هسته آن بیشتر نزدیک میشد. هسته ارتش همواره در دربار شاه و یا شاهزاده بود و لایه های دیگر ارتش به هنگام ضرورت گرد آوری میشدند. سربازان زخمی در این ارتش ها خود میباید از خود نگهداری میکردند و در بیشتر موارد میمردند. بیماری و بی غذایی برای این ارتش ها بیش از میدان جنگ خطرناک بود و نویسنده مثال های زیادی برای خواننده میاورد. اسرای جنگی در اروپا اگر از اشراف نبودند و نمی توانستند پول برای آزادی خود بدهند که بیشتر سربازان پیاده را تشکیل میدادند به قتل میرسیدند، چون برای ارتشی که نمی توانست خود را تغذیه کند نگهداری از اسیر هیچ منفعتی نداشت و انتخاب دیگری جزء کشتن اسیر نداشت. در اسپانیا و خاور میانه که اسرا ارزش اقتصادی داشتند اسرای پیاده به برده گی فروخته میشدند.

جان فرنس، تعریف درخشانی از فرماندهان ارتش ها در این دوران میدهد که کم و بیش همواره صادق است. از آنجا که جنگ در این دوران تن به تن و دست به دست بود. فرمانده ارتش و واحد خود میباید نمونه رشادت و شجاعت و جسارت میبود و گرنه او نمیتوانست از سربازان خود چنین شجاعتی را در خواست کند. شجاعت برای پیروزی در جنگ برای فرمانده تنها کافی نبود او میباید به اندازه کافی سربازان وفادار بخود را میداشت تا هسته ارتش را تشکیل دهند. جان نشان میدهد ارتش های این دوران چقدر از یک پارچگی بی بهره بودند و فرماندهی این ارتش ها چقدر دشوار بود. ارتشی که از فرماندهان خود سر فئودال ها، شوالیه ها و شاهزادگان تشکیل شده بود هماهنگ کردن آنها برای فرمانده ارتش مشکل بود. این فرماندهان مستقل بیشتر راه خود

را میرفتند.

در بخش نبرد و تاکتیک، ما مشاهدات و تحلیل های درخشان جان فرنس را مبینیم. او میگوید هر چند که تاریخ نویسان بر جنگ های بزرگ و سرنوشت ساز تاکید دارند و آن ها را گزارش میدهند. در این دوران تاریخی "تجربه عملی نبرد تن به تن و رو در رو در میان واحد های کوچک مسلح میباید به فراوانی پیش میامده است". به گفته جان "بدون اراده جنگیدن تمام فعالیت های نظامی بلف بود". ما در این بخش با چگونگی در گیری در نبرد برای یک ارتش و فرمانده آشنا میشویم. از آنجا که نبرد های سرنوشت ساز و اصلی خطرات بزرگی داشت و میتوانست یک نیروی نظامی را برای همیشه نابود کند فرماندهان تا میتوانستند از آن پرهیز میکردند. اما همواره کشش و هیجان تصمیم به نبرد فرماندهان را وسوسه میکرد. نویسندگان این دوران تاریخی همواره به اهمیت سواره نظام و شوالیه ها در نبرد و سرانجام آن تاکید دارند. اما جان نشان میدهد فرماندهان نبردهای این دوران چقدر به پیاده نظام اهمیت میدادند و همواره در هر جنگی وقت صرف میکردند تا نیروی پیاده نظام قابل ملاحظه ای گرد آوری کنند. ارتش های پیروز را جان اینطور تعریف میکند "آنها اراده، ایمان و شجاعت کشته شدن برای کشورشان را داشتند". جنگ های معین زیادی در این بخش از جهت تاکتیک و آرایش جنگی بررسی میشود که عوامل فراوان شکست و یا پیروزی را در آن بررسی میکنند. در نبرد ها برتری آرایش جنگی منظم، فرماندهی و اداره محکم خود را نشان میداد و بیشتر مواقع به پیروزی منجر میشد. به گفته جان "پیروزی در جنگ بستگی داشت، همانطور که پیروزی همیشه میکند، به شخصیت فرمانده --- اما همینطور به هسته بزرگ سربازان وفادار که میشد ارتش را به گرد آن بنا کرد".

در بخش اروپا، ایدولوژی و خارجی ها- اروپای مسیحی جنوب اروپا را توصیف میکند که مسیحیت قرون وسطی ابولوژی آن را تشکیل میدهد. جنگ وحشیانه بر علیه شمال اروپای کافر و بخش های عقب افتاده اروپا در این بخش بررسی میشود. مسلمان ها از دیدگاه اروپائی ها بربر و کافر دیده میشدند که دشمن مهیبی و تمدن رقیب بودند. به گفته جان توجیه اروپائی ها از فتح سرزمین های جدید اینطور بود "در همان حال، وحشی گری آنها در جنگ و واپس ماندگی ساختار جامعه آنها به فتح سرزمین های آنها حقانیت میداد". حمله مغول ها به اروپا و علت برتری آنها به هر ارتشی که در فتوحات پیشمار شان با آن روبرو شدند، به گفته جان در برتری عددی آنها و انضباط شان بود.

در بخش "کرسیدنگ" جنگ آوری در خاور میانه. نویسندگان ما مسیحیانی را که به کرسید به اورشالیم رفتند تا این شهر را از دست مسلمان ها خارج کنند اینطور تعریف میکند "چیزی که پیشنهاد شد جنگ آوری ایدولوژیکی در نابترین شکل خود بود". در این بخش ما با پنج کرسیده آشنا میشویم که به تشکیل رژیم شاهی مسیحی در اورشالیم و سایر شهر های آسیای کوچک و فلسطین موجود منجر میشود و نابودی این رژیم شاهی مسیحی در قرن سیزدهم را مبینیم. در این بخش از نبرد های مختلف بین مسلمانان و مسیحیان از کرسید اول تا انهدام دولت های مسیحی به تفصیل سخن گفته میشود.

در بخش تصویر بزرگ ویژگی های اقتصادی این دوران که بر اساس زمین داری استوار بود و نظامی گرای ملاکان که بر اساس ضرورت زمانی وجهه اجتماعی به همراه میاورد. و سایر جنبه های مهم این دوران بررسی میشود که از جهتی تصویری کلی از این دوران ۳۰۰ ساله و ویژگی های جنگی آن و مردمی که این جنگ ها را به را میانداختند به خواننده میدهد. در بخش نهائی گزارش دقیقی از یکی از جنگ های تاریخ ساز اروپا به خواننده داده میشود.

جنگ آوری در غرب در دوران کرسیدرز تصویری روشن و درخشان با مشاهدات هوشمندانه جان فرنس از این دوران تاریخ اروپا به خواننده میدهد. ارزش نظامی کلاسیک این کتاب انکار ناپذیر است و هر نظامی هوشمندی میتواند از آن آموخته های زیادی داشته باشد. ۱۲-۵-۰۱